

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل غنی زاده

۰۵ دسمبر ۲۰۲۱



ناهید غزل غنی زاده

فصل سپید نشانه های تو



اینک نگاه های خموش پشت شیشه های یخ بسته، انکسار پیهم زنگوله ها را از کناره ناودان ها می نگرد.
آسمان خاکستری است. درست مانند خاکستر عشق مرده ای در اجاق زنگاری یک قلب... گهواره احساسم تسلیم زمزمه
ملایم هیچ سرودی نیست.
شب هولناکی را پشت سر گذاشتم. شلاق تند طوفان با پیکر درختان قیامتی را بر پا کرده بود. گوئی زنده به گوران بد
قسمت از درد بی عدالتی شیون و فریاد داشتند.
آواز بامگاه مرا به خویش خواند...
بامگاه نزول پر های سپید و کوچ پرندگان بی لانه...
می دانم پنجره ها ترا نیز به خویش خوانده اند، می دانم لرزش انگشتانم را به یاد می آوری که در لحظه وداع آئینه
غورم را نا خواسته شکست.

می دانم که این فصل سپید نشانه های تو ، پیام بخش خاطرات من در اندیشه هایت است ..می دانم ، همه را می دانم
و آرام آرام کنار دریچه با ترنم دلگیر یک پرنده تنها اشک می ریزم با تفاوت این که تو هیچ گاهی نگرستی و من
خوشتن را در فراسوی پرسش های بی جواب گم کردم.
ناهد غزل